

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمهوری
سازمان برنامه و بودجه کشور
مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده نگری



**چالش‌های پیاده‌سازی بهای تمام‌شده در بخش دولتی
و راهکار جایگزین**

مواردی که مطرح خواهد شد:

- چرا باید اکنون به این موضوع پرداخت؟
- قرارگیری در اسناد بالادستی (بند (پ) ماده ۷ قانون برنامه ششم و تبصره های قانون بودجه سنواتی) و جهت دهی کلی به حرکت دستگاه ها
- مهمترین مسائلی که موضوع مورد بحث را با چالش یا محدودیت مواجه ساخته است چیست؟
- حرکت به سمت تعیین بهای تمام شده جهت تحقق بودجه ریزی عملکردی، ریشه در کنترل هزینه های جاری به دلیل فشار ناشی از تأمین هزینه ها بر دوش دولت دارد و نه کمک به تحقق مأموریت ها و اهداف دستگاه های اجرایی
- در حال حاضر، با این مسائل خاص چگونه برخورد می شود؟
- این رویه سبب ناکارآمدی سیستم مربوطه و عدم جدیت دستگاه های اجرایی در این خصوص گردیده است و متأسفانه این رویه تنها منجر به درج ظاهری برنامه ها و فعالیت ها و سنجه های عملکرد کمی و غالباً غیر دقیق در پیوست ۴ کتاب قانون بودجه گردیده است که هیچ نظارتی از سوی هیچ دستگاه نظارتی بر عملکرد و نتیجه آنها اعمال نمی گردد

مواردی که مطرح خواهد شد:

- چرا این شیوه تاکنون اجرا می‌شده است؟
فراهم آمدن گزارش داخلی جهت مدیران در کنار گزارش به خارج
فهم قیمت تمام شده خدمات با انحراف پایین جهت قیاس با استاندارد و مدیریت هزینه
شناسایی علت هزینه ها که همان فرایندها و فعالیت ها هستند و مدیریت آنها (چرا قیمت تمام شده رفت بالا؟ چرا سنجه های عملکرد افت کرد؟) با مدیریت علت هزینه می توان هزینه را مدیریت کرد، پس باید ابتدا علت را شناسایی کرد
شناسایی فعالیت های بدون ارزش افزوده و حذف آنها، شناسایی منابع انسانی و ظرفیت های بلا استفاده جهت مدیریت آنها
کنترل پیشرفت شاخص های عملکردی و تخصیص بودجه به واحدها بر اساس پیشرفت شاخص ها
- اگر روند موجود تغییر پیدا نکند احتمالاً چه پیامدهایی در ابعاد مختلف کشور/جامعه پدید خواهد آمد؟
از دست رفت فرصت و هدر رفت بیت المال

۲- تحلیل چگونگی مواجهه با مساله

مواردی که مطرح خواهد شد:

- چرا اکنون به اینجا رسیده ایم؟
- چرا سیاست‌گذاری فعلی پاسخگو نیست؟
- چرا باید به دنبال یک سیاست جایگزین باشیم؟

رویکرد فعلی تنها متمرکز بر وجه کارایی و صرفه اقتصادی برنامه‌ها و فعالیت‌ها بوده که نهایتاً منجر به انضباط بودجه‌ای می‌گردد و پاسخی برای این سوال که آیا خود برنامه‌ها و فعالیت‌ها از صلاحیت لازم برای رسیدن به اهداف سازمان برخوردارند یا خیر فراهم نمی‌آورد، از این رو بعد اثربخشی را که لازمه تحقق مأموریت و هدف دستگاه اجرایی است، پوشش نمی‌دهد.

به عبارت بهتر ماهیت بودجه‌ریزی عملکردی نه کنترل هزینه برنامه‌ها و فعالیت‌ها و کنترل بودجه بلکه تسریع در نائل آمدن به اهداف و مأموریت‌ها و اهداف تخصیص بودجه بوده که البته این خود در بلندمدت گشایشی در کنترل هزینه‌های جاری نیز ایجاد خواهد نمود.

۲- تحلیل چگونگی مواجهه با مساله

بنابر مطالعات صورت پذیرفته کشورهای پیشرو در این حوزه از طریق مورد سوال قرار دادن برنامه ها و فعالیت ها و متعاقباً تعریف شاخص های عملکردی مناسب برای دستگاه های اجرایی به دنبال تحقق مأموریت محوله آن دستگاه در بافت مدیریت استراتژیک کشور می باشند. ناگفته نماند کاهش هزینه های جاری دولت با تغییر رویکرد بودجه ریزی میسر نمی گردد زیرا خاستگاه اصلی این هزینه ها در تصمیمات کوتاه مدت و بعضاً ۴ ساله دولت ها در ارائه گزارش به مردم، بخشی نگری و عدم وجود تفکر سیستمی، و عدم توجه به اهداف توسعه ریشه دارد.

به عنوان مثال رویه استخدام افسارگسیخته موجود ریشه در عدم باروری سیستم آموزشی کشور داشته که توان پرورش خروجی های توانمندی که قادر به راه اندازی کسب و کارهای مستقل از دولت باشند، را نداشته و این تورم منابع انسانی ناچاراً جذب بخش دولتی می گردد، و به نظر می رسد این رویه به دلیل عدم چاره اندیشی برای بهبود سیستم آموزشی بارور و ثمرده در کشور همچنان ادامه خواهد یافت.

۲- تحلیل چگونگی مواجهه با مساله

هدف در بخش دولتی در وهله اول اثربخشی و تأمین اهداف می باشد. دولت جهت ارائه خدمات عمومی ایجاد شده است. در سایه تأمین اهداف، کارایی نیل به اهداف و کاهش هزینه ها ضمن نیل اثربخش به اهداف مطرح می شود. به عبارت دیگر کارایی فرع بر اثربخشی و نیل به اهداف است. کاهش هزینه ها زمانی با ارزش است که مطمئن باشیم در مسیر نیل به اهداف در حال کاهش هزینه ها هستیم. بنابراین در ابتدا نیل به اهداف از سوی دستگاه های اجرایی را باید تثبیت نمود و در سایه آن به نیل کارآمد به اهداف پرداخت. بنابراین جهت پیاده سازی بودجه ریزی عملکردی در بخش دولتی نباید اصل را بر کارایی و بهای تمام شده گذاشت. در این بخش اصل بر اطمینان از انجام برنامه ها و فعالیت های صحیح در راستای تحقق مأموریت اصلی دستگاه های اجرایی و تعیین شاخص های عملکردی (کیفی و یا کمی) صحیح جهت تحقق آنها و بررسی مستمر شاخص ها، فعالیت ها، و برنامه ها و رسیدگی به تحقق مأموریت دستگاه در ازای دریافت اعتبار عمومی است.

بهای تمام شده، هدف کارایی و کاهش هزینه ها را دنبال می کند. به عبارت دیگر بهای تمام شده از طریق بررسی هزینه فعالیت و کاهش و متناسب سازی آن از طریق مقایسه با استاندارد از پیش تعیین شده، صرفاً به دنبال کنترل و مدیریت هزینه تمام شده فعالیت است و این یعنی جستجوی کارایی است.

اما هدف در بخش دولتی ارائه خدمت به عموم مردم است با هر هزینه ای، به عنوان مثال ناوگان حمل و نقل عمومی را در دو بخش در نظر بگیرد. بنابراین توجه و اولویت دادن به کاهش هزینه در تصمیم گیری های دولت سبب تغییر اولویت دولت در اتخاذ اقدامات و پیگیری اهداف می شود.

۲- تحلیل چگونگی مواجهه با مساله

جالب اینجاست که غالب افرادی که در حوزه پیاده سازی بودجه ریزی عملکردی فعال هستند، دارای تحصیلات مهندسی صنایع، مدیریت صنعتی و پژوهش عملیاتی می باشند،

کاپلان مبدع روش ABC: دارای تحصیلات مهندسی صنایع
گری کوکینز = دارای تخصص پژوهش عملیاتی و مدیریت صنعتی

در صورتی که اگر می خواهیم بودجه ریزی عملکردی در بخش دولتی مستقر کنیم ناگزیریم از متخصصین مدیریت دولتی که آشنایی بیشتری با اهداف مدیریت امور عمومی دارند، بهره ببریم.

در مدیریت دولتی اصل بر تحقق اهداف بخش دولتی است و کارایی فرع بر اثربخشی و تأمین اهداف است.

۲- تحلیل چگونگی مواجهه با مساله

تعیین بهای تمام شده جهت برنامه ها و فعالیت ها نیازمند تعریف شاخص های عملکرد کمی است (نظیر تعداد پژوهش، تعداد دانشجو، تعداد گزارش، تعداد پرونده) و عملکردی نمودن بودجه به این شیوه سبب ایجاد تنگناهای جدی می گردد به خصوص در ارتباط با برنامه ها و فعالیت هایی که اطمینان از تحقق آنها تنها از طریق تعیین معیارهای کیفی قابل حصول می باشد.

به عنوان مثال در صورت ازدیاد تعداد پرونده های رسیدگی شده در دادسرا نمی توان نسبت به امر جلوگیری از تضييع حقوق بیت المال اطمینان یافت، کما اینکه کاهش این تعداد نیز به هیچ روی نقض کننده فریضه فوق نخواهد بود.

تعداد دانشجویان فارغ التحصیل از دانشگاه نیز انعکاس دهنده کیفیت و قوام فرایندهای اجرایی درون دانشگاه و تضمین کننده کیفیت خروجی های آن نخواهد بود

۲- تحلیل چگونگی مواجهه با مساله

به دلیل آنکه برخی عوامل دخیل در تعیین بهای تمام شده فعالیت ها و برنامه های دستگاه های اجرایی از جمله: تأثیرپذیری از نوسانات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی، پیش بینی ناپذیری شرایط و بروز وقایع برنامه ریزی نشده متعاقباً عدم برخورداری از تابع هزینه پایدار، تصمیمات سیاسی دولت ها از جمله استخدام بی رویه نیروی انسانی در بخش دولتی، دخالت رابطه و لابی در امر تخصیص اعتبار و امثالهم، خارج از حیطه اختیارات دستگاه ها بوده و ارتباطی با خروجی عملکرد آنها ندارد، سبب افزایش یا کاهش بهای تمام شده برنامه ها و فعالیت ها گردیده و به ایجاد خطای شناختی منجر می گردد

۲- تحلیل چگونگی مواجهه با مساله

سهم غالب هزینه دستگاه های اجرایی (بیش از ۹۰ درصد از بودجه دریافتی) صرف هزینه های پرسنلی می گردد و دستگاه های اجرایی با مازاد نیروی انسانی در اختیار مواجه هستند، این رویه نیز بنابر تصمیمات سیاسی دولت ها در استخدام بی رویه نیروی انسانی در بخش دولتی جهت کاهش نارضایتی عمومی از نرخ بیکاری و متعاقباً متورم شدن بوروکراسی، در حال وخیم تر شدن می باشد؛ شایسته است از خود پرسیم آیا با تعیین بهای تمام شده برنامه های دستگاه ها، در صورت عدم تحقق سنجه های عملکرد آنها، امکان تعدیل بهای تمام شده وجود دارد؟ در حقیقت بهای تمام شده دستگاه های اجرایی حاصل جمع حقوق و دستمزد و مزایای کارکنان دستگاه اجرایی بوده و لزوماً انعکاس دهنده ارزش ریالی خروجی و عملکرد دستگاه مربوطه نمی باشد، بنابراین قابلیت تعدیل یافتن ندارد. این رویه به هیچ روی با تعیین بهای تمام شده برنامه ها و فعالیت ها متوقف نخواهد شد زیرا خاستگاه اصلی آن در تصمیمات سیاسی دولت ها نهفته است برخی موارد کیفی در به کارگیری نیروی انسانی دخیل است از جمله پیچیدگی کار که تعداد نیروی انسانی بیشتری می طلبد که قضاوت در این مورد را با چالش مواجه می سازد. مبنای تحلیل را نمی توان ریالی قرار داد. مبنای ارزیابی خدمات دولت هم در ورودی ها، هم فرایند، هم خروجی ها تا حد زیادی غیر ریالی است از جمله رضایت شهروندان

برنامه‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی و تحقق‌سنجه‌های عملکرد است که از اهمیت زیادی برخوردار است. سازمان‌ها حول محور مأموریت و اهداف ایجاد شده‌اند، به عبارت دیگر فلسفه وجودی یک سازمان، هدفی است که جهت تحقق آن ایجاد شده است و از این روست که منابع مالی و انسانی در اختیار گرفته است. این اهداف نیز در برنامه‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌ها نمود پیدا کرده است. از این رو آنچه که اهمیت می‌یابد تحقق مأموریت و درصد تحقق‌سنجه‌های عملکرد برنامه‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی است. بنابراین لازم است یک ارتباط منطقی بین برنامه‌ها و فعالیت‌های دستگاه و اهداف اصلی آن نیز برقرار نمود که در پیوست ۴ قانون بودجه به دلیل تأکید بیش از حد بر تعیین بهای تمام شده برنامه و فعالیت، از این امر مهم غفلت شده است. این زنجیره از طریق تعریف‌سنجه تحقق‌اهداف قابل دستیابی است. پس از تعریف زنجیره تحقق‌اهداف، در هنگام ارزیابی عملکرد، اگر سنجه فعالیت‌ها محقق شود ولی سنجه برنامه‌ها محقق نشود، می‌بایست فعالیت‌ها اصلاح شده و بازنگری شوند زیرا انعکاس‌دهنده سنجه برنامه نبوده و معیار مناسبی برای تحقق برنامه نیست؛ و اگر سنجه برنامه‌ها و فعالیت‌ها تحقق پیدا کند ولی مأموریت دستگاه محقق نشود، باید برنامه‌ها و فعالیت‌ها تغییر کنند زیرا فاقد ارزش افزوده برای تحقق مأموریت دستگاه می‌باشند. البته این خود منوط به انتخاب دقیق‌سنجه‌های عملکرد اعم از سنجه‌های کیفی و کمی می‌باشد و در این مسیر ناگزیر به تغییر مداوم سنجه‌های عملکرد هر یک از برنامه‌ها و فعالیت‌های ذیل آن تا نیل به وضعیت مطلوب هستیم.

۳- انتخاب های سیاستی

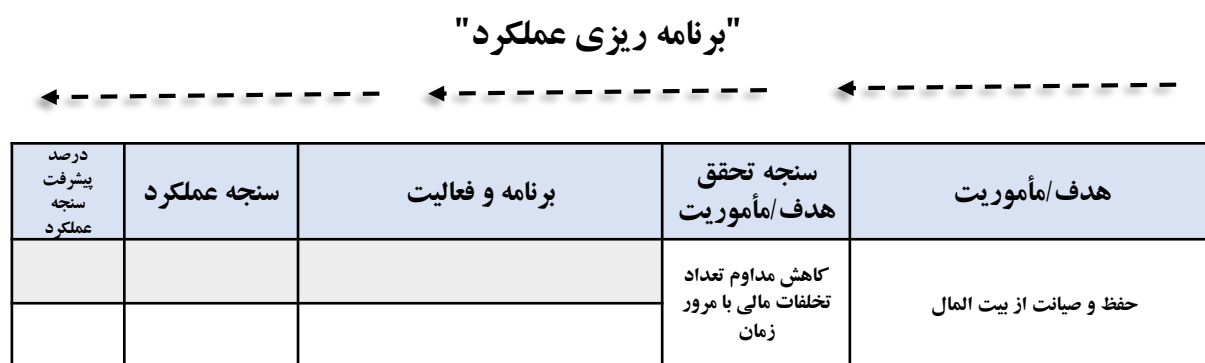
در ارزیابی عملکرد با رویکرد تحقق اهداف دستگاه، اینگونه عمل می کنیم: حلقه اول در ارزیابی عملکرد، ترسیم یک زنجیره ارتباطی بین اهداف و مأموریت دستگاه اجرایی، سنجه تحقق هدف/مأموریت، برنامه ها و فعالیت ها، و سنجه های عملکرد برنامه ها و فعالیت هاست که این امر مستلزم شناخت و اشراف کافی از مأموریت دستگاه و همکاری فعال و دوسویه با دستگاه اجرایی می باشد.

بنابراین پس از احصای مأموریت دستگاه و تعریف سنجه مناسب تحقق مأموریت، باید با کمک نسبت به تعیین و انتخاب برنامه ها و فعالیت ها و متعاقباً انتخاب سنجه های عملکرد دقیق اعم از کیفی و کمی اقدام نمود.

"برنامه ریزی عملکرد"

درصد پیشرفت سنجه عملکرد	سنجه عملکرد	برنامه و فعالیت	سنجه تحقق هدف/مأموریت	هدف/مأموریت
			کاهش مداوم تعداد تخلفات مالی با مرور زمان	حفظ و صیانت از بیت المال

از این رو حلقه اول، بر مبنای صفر بوده و مسیر راست به چپ را می پیماید (برنامه ریزی عملکرد):



باید افزود، سنجه فعالیت نباید مشابه سنجه برنامه انتخاب شده باشد، چون برنامه نگاهش به تحقق اهداف و پیامدهاست، بنابراین باید سنجه متفاوتی داشته باشد.

یعنی ممکن است سنجه فعالیت ها با کمترین هزینه و بالاترین کیفیت محقق شود ولی هنوز به اهداف برنامه نرسیده باشیم. برنامه هدف مشترک کلیه فعالیت های ذیل آن است و نباید سنجه مشابه داشته باشد.

۳- انتخاب های سیاستی

پس از ترسیم اولیه می بایست نسبت به راستی آزمایی و ارزیابی عملکرد دستگاه اقدام نمود. بنابراین حلقه دوم مسیر چپ به راست را می پیماید

"ارزیابی عملکرد"



درصد پیشرفت سنجه عملکرد	سنجه عملکرد	برنامه و فعالیت	سنجه تحقق هدف / مأموریت	هدف / مأموریت
			کاهش مداوم تعداد تخلفات مالی با مرور زمان	حفظ و صیانت از بیت المال

بدین صورت که در گام اول به تحقق سنجه های عملکرد برنامه و فعالیت می پردازیم. نتیجه این امر از دو حالت خارج نیست:

- ۱- عدم تحقق سنجه عملکرد فعالیت (بر اساس درصد پیشرفت سنجه)، که در این صورت باید دستگاه پاسخگوی دلایل امر بوده و نسبت به نحوه هزینه کرد بودجه دریافتی جهت برنامه و فعالیت ذی ربط پاسخگو باشد.

۲- تحقق سنجه عملکرد فعالیت ها که در نتیجه باید دید آیا سنجه عملکرد برنامه نیز محقق شده است یا خیر که مجددا نتیجه از دو حالت خارج نیست:

۱-۲ سنجه برنامه محقق نشده است که در این صورت باید نسبت به انتخاب سنجه های عملکرد فعالیت/برنامه تشکیک نموده و آن را مورد بررسی قرار دهیم و نسبت به انتخاب سنجه های عملکرد مناسب جهت برنامه یا فعالیت اقدام نماییم، و یا حتی تغییر فعالیت ها

۲-۲ سنجه برنامه محقق شده است که در این صورت می بایست بررسی کرد که آیا تحقق سنجه های عملکرد فعالیت ها و برنامه ها منجر به تحقق اهداف دستگاه شده اند یا خیر که باز نتیجه از دولت خارج نیست:

۱-۲-۲ منجر به تحقق اهداف دستگاه شده است (از طریق تحقق "سنجه تحقق هدف" قابل ردیابی است)

۲-۲-۲ منجر به تحقق اهداف نشده است که می بایست این بار نسبت به تعریف مجدد برنامه ها و فعالیت ها تشکیک نموده و برنامه ها و فعالیت های زائد حذف شده و برنامه ها و فعالیت های دیگری با سنجه های عملکرد مناسب به آن بیافزاییم.

"ارزیابی عملکرد"

درصد پیشرفت سنجه عملکرد	سنجه عملکرد	برنامه و فعالیت	سنجه تحقق هدف/مأموریت	هدف/مأموریت
			کاهش مداوم تعداد تخلفات مالی با مرور زمان	حفظ و صیانت از بیت المال

"ارزیابی عملکرد"



درصد پیشرفت سنجه عملکرد	سنجه عملکرد	برنامه و فعالیت	سنجه تحقق هدف/مأموریت	هدف/مأموریت
			کاهش مداوم تعداد تخلفات مالی با مرور زمان	حفظ و صیانت از بیت المال

بدیهی است اطمینان حلقه آخر ارزیابی عملکرد یعنی تحقق اهداف، تنها از طریق تعریف "سنجه تحقق هدف" دقیق و صحیح میسر است.

جهت پیاده سازی این نوع از ارزیابی عملکرد ضروری است نسبت به تعیین شاخص کیفی و کمی بر حسب نیاز اقدام نمود و جهت اطمینان از پیشرفت و تحقق سنجه های عملکرد می توان از آراء خبرگان یا مرجع ثالث همچون مرکز آمار بهره به عمل آورد.

عدم اطمینان به اطلاعات بدست آمده از خوداظهاری، به جهت عدم امکان راستی آزمایی و نظارت بر آن

بنابراین پس از برنامه ریزی عملکرد و ترسیم زنجیره مأموریت، سنجه تحقق مأموریت، برنامه و فعالیت و سنجه عملکرد می بایست به طریق بیان شده نسبت به ارزیابی عملکرد اقدام نمود.

در این راستا گزارش گیری از درصد پیشرفت و تحقق سنجه عملکرد برنامه و فعالیت انجام گرفته و بر اساس تحقق/عدم تحقق سنجه های عملکرد برنامه ها و فعالیت ها، نسبت به ابقا و یا جایگزینی برنامه ها و فعالیت ها اقدام می نماییم. همینطور از چپ به راست در طول زنجیره حرکت می نماییم تا نسبت به تحقق سنجه مأموریت و تحقق اهداف دستگاه اطمینان حاصل نماییم.

بدیهی است به مرور زمان در این چرخه رفت و برگشتی بین برنامه ریزی عملکرد و ارزیابی عملکرد به تناسب و با تمرکز بر مأموریت اصلی دیوان می توان با تغییر، حذف، و یا جایگزین برنامه ها و فعالیت ها به ترکیب نهایی از برنامه ها و فعالیت ها، رسید که این امر مشروط بر اشراف دانشی و تجربی ارزیابان بر دستگاه می باشد.

کشورهای پیش گام در حوزه بودجه ریزی های نوین (همچون بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد) به تناسب از میزان کنترل بر ورودی ها (فرم ارقام هزینه موافقتنامه اعم از کنترل فصول هفتگانه هزینه، سقف اعتبارات هر فصل و جلوگیری از جابجایی اعتبارات بین فصول؛ اسناد و صورت های مالی؛ کنترل مجوز های استخدامی؛ کنترل خرید دارایی های سرمایه ای و ...) کاسته و به همان نسبت بر کنترل خروجی ها (کنترل برنامه ها و فعالیت های دستگاه ها و تحقق شاخص های عملکرد) می افزایند.

این امر جهت ارائه اختیارات بیشتر به مدیر در انتخاب استراتژی جهت مدیریت خلاقانه مجموعه تحت مدیریت اعمال می گردد و در عوض پاسخ خواهی از او در حیطه تحقق مأموریت و درصد تحقق برنامه ها و فعالیت ها انجام می گردد.

بدیهی است تغییر رویکرد از کنترل ورودی ها به کنترل خروجی ها مستلزم توانمند سازی مدیران، ایجاد نظام عزل و نصب شرطی مدیران و نظارت بر آن، استقرار شایسته گزینی، استقرار نظام انگیزشی و آنگاه تفویض اختیار به مدیران جهت گرفتن خروجی های مطلوب می باشد.

زیبنده است که جهت اثر بخش نمودن استفاده از بیت المال از سوی دستگاه های مورد نظارت، به جای پرداختن صرف به رسیدگی به صورت های مالی، اسناد، و ... بر روی تحقق مأموریت و درصد تحقق سنجه های عملکرد برنامه ها و فعالیت های دستگاه های اجرایی و تکالیف آنها در اسناد بالادستی متمرکز گردد.

مواردی که مطرح خواهد شد:

- خلاصه تحلیل و توصیه‌ها می‌آید.
 - سیاست و توصیه پیشنهادی را به کدام مرجع قانونی یا نهاد و دستگاه ارجاع می‌دهید؟
- همانگونه که بیان شد تمرکز بر وجه اثربخشی ارزیابی عملکرد امکان تصحیح برنامه‌ها و فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی در جهت تحقق مأموریت و وظایف محوله را فراهم می‌آورد، و تمرکز بر وجه کارایی و صرفه اقتصادی برنامه و فعالیت‌ها پاسخی برای این سوال که آیا خود برنامه‌ها و فعالیت‌ها از صلاحیت لازم برای رسیدن به اهداف سازمان برخوردارند یا نه فراهم نمی‌آورد.
- البته انجام تمام و کمال این مهم و پاسخ‌خواهی از دستگاه‌های اجرایی مستلزم همراستاسازی تمام حوزه‌های استراتژیک تخصیص منابع است از جمله ضروری است ردیف‌های بودجه به گونه‌ای سامان یابد که هیچ برنامه‌ای بین دستگاه‌های اجرایی به صورت مشترک تعریف نشده نباشد، به عبارت بهتر، از یک برنامه، تنها یک دستگاه اجرایی اعتبار دریافت نماید و هر برنامه و فعالیت‌های آن منحصر به یک دستگاه اجرایی باشد.

هنگامی که چند دستگاه اجرایی از یک برنامه اعتبار دریافت نمایند و برنامه متولی مشخص و مستقیمی ندارد، در هنگام عدم تحقق سنجه های برنامه، هر دستگاه می تواند قصور را به دوش دیگری اندازد زیرا مسئولیت ها تفکیک نگردیده است. علی رغم وجود اختیارات لازم در اسناد بالادستی و قوانین همچون ماده ۷ و ۸ قانون برنامه ششم، ماده ۱۶ قانون مدیریت خدمات کشوری، ماده ۲۵ قانون الحاق (۲)، اصل ۵۵ قانون اساسی، ضروری است در این راستا قوانین نیز دستخوش تغییر و اصلاح گردد به گونه ای که اختیار ارزیابی عملکرد به وضوح در آن درج شده تا حیطه اختیارات دستگاه های نظارتی در این خصوص برای دستگاه های اجرایی و عموم مشخص گردد.



باسپاس از همراهی شما